دیدگاه اساتید

# دیالکتیک دانشگاه و سیاست

جنبش دانشجویی در عصر ما به یکی از حرکت‌های فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است و چه از طرف سیاست و چه از طرف دانشگاه، رغبتی دوجانبه برای برقراری نسبت و ارتباط بین این دو وجود دارد. اهمیت فعالیت سیاسی در دانشگاه از چند جنبه انکارناپذیر است و به همین دلیل، هم انقلاب اسلامی در سطح رهبران و سیاست‌گذاران و هم نظام‌های استیلاطلب به‌عنوان سرمایه‌گذاران در جریان‌های اجتماعی کشورهای دیگر، برای تحقق کارکرد مدنظر خود، در نسبت دانشجو و سیاست می‌کوشند. اهمیت دیالکتیک میان سیاست و دانشگاه لااقل از سه بُعد غیرقابل چشم‌پوشی است.

اول آنکه دانشگاه خواه یا ناخواه قطب اصلی «تربیت‌کننده» نسل بعدی سیاسیون نظام است. دانشجویان کنشگر سیاسی در فضای دانشگاه احتمالاً گزینه‌های اصلی هدایت سکان آینده کشور هستند و شیوه مواجهه امروز آنان با مسائل سیاسی در دانشگاه می‌تواند تأثیر جدی بر برخوردشان از جایگاه مدیران سیاسی نظام در آینده با مسائل کشور داشته باشد.

دوم آنکه «جریان‌سازی سیاسی» و فراگیر کردن یک گفتمان، بنا به خاصیت «مرجعیت» فکری در جامعه، به‌سادگی تحقق می‌یابد. معمولاً در خانواده، اقوام و دوستان، افراد تحصیل‌کرده نه‌فقط از نظر علمی، بلکه در زمینه اظهارات سیاسی و... نیز مرجع به حساب می‌آیند و همین مسئله توان جریان‌سازی مضاعف به قشر دانشجو اعطا کرده است.

سوم قدرت «مطالبه‌گری» دانشجویان است که با توجه به روحیه جوانی و نبود وابستگی‌های منجر به محافظه‌کاری، طبیعت این طیف را به مطالبه‌گری فعال فارغ از مآل‌اندیشی وامی‌دارد؛ امری که برخی تحلیلگران سیاسی را بر آن داشته است که جنبش دانشجویی را ذاتاً جنبشی رادیکال به حساب آورند.

بسیاری از نظام‌های استبدادی از جمله ایران پیش از انقلاب، که مطالبه‌گری، جریان‌سازی و تربیت نسل استقلال‌خواه را جزء اهداف خود نمی‌دانند، طبیعتاً تلاش برای ایجاد رکود و رخوت در جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش دانشجویی و غیرسیاسی کردن آن‌ها دارند، لیکن انقلاب اسلامی که خود را پیشرو مطالبه‌گری و تحول و نقش‌آفرینی جهانی دانسته و اصول قانون اساسی نظام نیز مؤید آن است، فعالیت سیاسی جنبش دانشجویی را در راستای اهداف خود می‌انگارد. چه آنکه رهبر انقلاب بر افرادی که در برهه‌ای کوشیدند برای پرهیز از دردسرهای مطالبه‌گری دانشجویی، دانشگاه را غیرسیاسی کنند، لعنت می‌فرستند. دیگر شاهد برای این مسئله، تقویت جریان سرکوب‌شده جنبش دانشجویی پس از تحقق انقلاب است. جنبشی که متأثر از اندیشه‌های لیبرال یا مارکسیستی در دانشگاه پیش از انقلاب شکل گرفته بود و یا خروجی آن همکاری با قدرت حاکم یا خشونت و سرکوب بود، پس از انقلاب و با از میان برداشتن استبداد داخلی، نه‌تنها کم‌رمق نشد، بلکه ملهم از آموزه‌های انقلابی، همت خود را بر اصلاحگری داخلی و استکبارستیزی معطوف ساخت.

نسبت دانشگاه و جنبش دانشجویی با سیاست البته با آنچه جریان غیرانقلابی یا ضدانقلابی از دانشگاه انتظار دارند، هم از نظر چشم‌انداز و هم از نظر رویکرد و تکنیک‌ها، با چارچوب دیالکتیک دانشجو-سیاست از نظر رهبر انقلاب متفاوت است. در ادامه به تبیین این تفاوت‌ها از منظر شاخص‌های گوناگون پرداخته می‌شود. اما پیش از آن باید این نکته را مدنظر داشت که گرچه فهم ناصواب از حرکت‌های سیاسی دانشگاه باعث شده در افکار عمومی یا حتی تحلیل‌های ساده‌انگارانه، تفکیک‌ها و دوگانه‌های تصنعی نظیر «دانشجوی معتدل-دانشجوی افراطی»، «دانشجوی رادیکال-دانشجوی محافظه‌کار»، «دانشجوی چپ-دانشجوی راست»، «دانشجوی اصولگرا-دانشجوی اصلاح‌طلب»، برای توصیف تعامل دانشجو با سیاست به کار بسته شود، اما همه این توصیفات ما را به دوقطبی‌های ساختگی رهنمون می‌سازد که نه‌تنها از حیث ترمینولوژیک، دقیق و گویا نیستند، بلکه دامن زدن به آن‌ها تنها شکافی میان اجتماعی از دانشجویان به وجود می‌آورد که حتی ممکن است با بررسی صحیح شاخص‌ها، در یک جبهه (انقلابی) قرار بگیرند و یا موجب اختلاط ناصواب گروهی از دانشجویان «منتقد، اما معتقد» با جبهه ضدانقلاب می‌شود. لذا در بررسی رویکردها، دو منظر «انقلابی-غیرانقلابی» که رهبر معظم انقلاب نیز آن را دسته‌بندی صحیح‌تری از ادبیات رایج سیاسی می‌دانند، مورد توجه قرار گرفته است.

**الف) هدف**

درصورتی‌که بخواهیم به نسبت صحیح بین دانشگاه و سیاست بپردازیم، باید ابتدا تفاوت اهداف موجود میان جریان انقلابی و ضدانقلابی را متمایزنماییم. هدف جریان انقلاب از برقراری پیوند میان دانشگاه و سیاست، نقش‌آفرینی دانشجویان در دولت‌سازی و نظام‌سازی است که نهایتاً منجر به ساخت تمدن اسلامی می‌شود. به همین دلیل، رهبر انقلاب میدان دادن به دانشجویان و اساتید ارزشی را برای فعالیت، از لوازم نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی برمی‌شمرند. در این راستا، به‌منظور اصلاح در کوتاه‌مدت به نقد قدرت حاکم و مطالبه‌گری از آن و آگاه‌سازی عمومی می‌پردازد و در بلندمدت می‌کوشد در تعامل با سیاست، سیاستمداران تراز دولت اسلامی را تربیت نماید. اما هدف جریان غیرانقلابی و ضدانقلاب از پیوند دادن دانشجو و سیاست، جز این است. این جریان به جنبش دانشجویی به‌عنوان یکی از جنبش‌های توده‌ای فعال در جریان جامعه مدنی می‌نگرد و می‌کوشد تا با بهره‌گیری از ایدئولوژی غربی، جنبه‌های استقلال‌طلبانه و هویت مستقل این جنبش را به نفع نظام‌سازی غربی مصادره کند تا نهایتاً کشور با تربیت مدیران تراز انسان مدرن غربی، به چیزی بیشتر از یک پازل برای نقشه جامعه جهانی تبدیل نشود. در همین راستا، جریان معارض می‌کوشد در کوتاه‌مدت، جنبش دانشجویی را به‌عنوان ابزاری در کنار سایر خرده‌نهادهای جامعه مدنی، به نقش‌آفرینی در فضای اجتماعی و ساختار قدرت سیاسی و گاه فشار و مقابله با نظام اسلامی وادار کند و در بلندمدت عناصر مطلوب خود را به‌عنوان تصمیم‌گیران سیاسی بر مسند نظام قرار دهد.

**ب) رویکردها**

**۱. مبنای فعالیت سیاسی**

جنبش‌های دانشجویی غالباً خود تولیدکننده ایدئولوژی نیستند و نقش اصلی آن‌ها در تعمیم و گسترش ایدئولوژی و اثربخشی بر افکار عمومی است. لذا لاجرم از افراد شاخص یا به‌عبارتی ایدئولوگ‌های جریان فکری و سیاسی نزدیک به خود تبعیت می‌کنند. نمونه جنبش‌های دانشجویی فعال در دیگر کشورها نیز مؤید همین مسئله است. جنبش دانشجویی فرانسه در می ۱۹۶۰ توسط ایدئولوژی‌های قوی پشتیبانی می‌شد و یا جنبش دانشجویی آلمان با نظرات اندیشمندانی چون‌هابرماس و مارکوزه تغذیه می‌شد. اما بهترین مثال از شیوه تأثیرپذیری ایدئولوژیک را می‌توان در جریان جنبش دانشجویی کشور خودمان در برهه‌های گوناگون جست‌وجو کرد.

جنبش دانشجویی در ایران در زمان اوج خود، یعنی در بحبوحه پیروزی انقلاب، تحت‌تأثیر سه ایدئولوژی مارکسیستی، اسلامی و ناسیونالیستی بود که هریک از ایدئولوگ‌های خود تأثیر می‌پذیرفتند. جریان مارکسیستی دانشگاه با تأثیرپذیری از عقاید مارکس و لنین و رهبران شوروی، به تعمیم ایدئولوژی چپ در شبکه پیچیده و پنهان مارکسیستی که شعبه‌ای از آن در دانشگاه‌ها فعال بود، می‌پرداخت. جریان ملی‌گرا به ترویج افکار رهبران جبهه ملی و نهضت آزادی در دانشگاه می‌پرداخت. دانشجویان مسلمان نیز به رهبران فکری خود از جمله امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید بهشتی، شهید مطهری و دکتر شریعتی تأسی می‌کردند.

پس از انقلاب و در دهه هشتاد، این تفاوت رویکرد سیاسی نحله‌های جنبش دانشجویی در اثر تفاوت ایدئولوژی، بار دیگر رخ می‌نمایاند. گروهی تحت‌عنوان جنبش دانشجویی مسلمان می‌کوشند تا با احیای خط امام، مسیر حرکت انقلاب را از شبهه، انحراف و بی‌عدالتی بزدایند و در مقابل دانشجویان موسوم به آزادی‌خواه، به بهانه اصلاح‌گری، به رفتارهای شبه‌اپوزیسیونی دست می‌زنند و بر کوس خروج از حاکمیت می‌کوبند. هر دو این جریان‌ها نیز متأثر از رهبران فکری است که در این برهه با سلسله سخنرانی‌ها و تبلیغ ایدئولوژی انقلابی/ضدانقلابی خود، آن را به جامعه دانشجویی تزریق می‌کنند.

گروه دوم که رفتار معارض انقلاب دارد، با بهره‌گیری از نهادهای سیاسی چون احزاب، می‌کوشد جنبش دانشجویی را به‌عنوان علم مطالبات حزبی خود و پیشرو در رویکردهای سیاسی جریان خود معرفی نماید. البته موضوع یارکشی سیاسی از جبهه دانشجویان مختص به یک طیف سیاسی خاص نیست، بلکه احزاب با نگرش‌های گوناگون به طمع‌ورزی نسبت‌به جنبش دانشجویی و معرفی آن به‌عنوان آوانگارد مطالبات خود، مبادرت می‌ورزند.

رهبر انقلاب چند سال پیش در تبیین دوگانه‌ای که ذکر آن رفت، جنبش دانشجویی را به فعالیت سیاسی «انقلابی» تشجیع می‌نمایند و اظهار می‌دارند برخی این کار را ملامت کرده و می‌گویند دانشجویان را به هوس و هیجان نیندازید. ایشان سپس به اعتقاد قلبی خود نسبت به لزوم فعالیت سیاسی دانشجویان تأکید مجدد می‌کنند و آن‌گاه با بیان تفاوت فعالیت سیاسی انقلابی دانشجویان به‌عنوان موتور محرک تحولات اجتماعی و سیاسی نسبت به تبدیل دانشگاه به محل جولان گرایش‌های سیاسی مختلف که بعضاً مخالف با اصل نظام یا جهت‌گیری‌های آن هستند، می‌پردازند. ایشان همچنین معتقدند جنبش دانشجویی باید در فعالیت سیاسی و اظهارنظر سیاسی از هر قشری در جامعه پیشروتر باشد.

این بیان رهبر انقلاب و تأکیدات دیگر ایشان نشان می‌دهد ایشان در برابر فعالیت سیاسی سالم و انقلابی که آن را ضرورت دانشگاه می‌دانند، به دو رویکرد معارض اشاره دارند که یکی می‌کوشد دانشگاه را به رخوت و رکودی بکشاند تا سیاستمداران از مطالبه‌گری و انتقاد جنبش دانشجویی در امان بمانند و دیگری رویکردی که خود را به‌عنوان مخالف و اپوزیسیون نظام تعریف می‌کند و با سواری دادن به اختاپوس احزاب، آنان را گرده‌نشین خود می‌نماید.

بهترین روش مواجهه سیاسی دانشجویان با ایدئولوژی‌های سیاسی، پرهیز حداکثری از تأثیرپذیری مطلق نسبت به ایدئولوگ‌های حزبی و تأمل آزاداندیشانه بر مواضع و افکار اندیشمندان انقلاب اسلامی است که فراتر از جریان‌های سیاسی روز و فارغ از وابستگی‌های حزبی، به تبیین اندیشه‌های امام و رهبری و اصول انقلاب می‌پردازند.

**۲. تحلیلگری**

هرچند اشاره شد ایدئولوژی بدنه جنبش دانشجویی توسط رهبران فکری-سیاسی جامعه پی‌ریزی و به جنبش‌های مردمی از جمله جنبش دانشجویی تعمیم داده می‌شود، اما در سطح پایین‌تر، یعنی تحلیل مسائل سیاسی، این دانشجوست که باید قدرت تشخیص و تحلیل مسائل را داشته باشد. توقع از دانشجوی تراز انقلاب اسلامی این است که با آشنایی اسلوب و روش‌های تحلیل سیاسی، با رصد فضای موجود بتواند تحلیلی از فضا برمبنای ایدئولوژی انقلابی داشته باشد. در این راستا، می‌توان به کتاب «روش تحلیل سیاسی» مراجعه نمود.

درصورتی‌که تحلیل از مسائل سطحی یا تک‌ساحته باشد و برخی ابعاد در آن لحاظ نشود، می‌تواند مشکل‌آفرین باشد. جنبش دانشجویی زمانی که خود نتواند به‌درستی به قدرت تشخیص مسائل دست یابد، طبیعتاً به یک واکنشگر منفعل و سطحی‌اندیش تبدیل می‌شود که عملاً قوه تحلیل خود را به جریان معارض بخشیده است. در مواجهه دانشجویان با مسائل سیاسی هرچه سطح تحلیل آن‌ها عمیق‌تر باشد، می‌توانند به واکنش مناسب‌تری نسبت‌به هر رخداد بپردازند. این امر مطلوب انقلاب اسلامی هم هست و ازهمین‌روست که رهبر انقلاب معتقدند کشوری که دانشجویان و جوانانش مسائل سیاسی را نمی‌فهمند و تحلیل درستی از جریان‌های سیاسی دنیا ندارند، نمی‌توانند مبتنی بر مردم حکومت، حرکت، مبارزه و جهاد کند.

در مقابل، جریان معارض می‌کوشد به پشتوانه فضاسازی رسانه‌ای و بارش اخبار و تحلیل‌های مغرضانه و رادیکال، با ایجاد فضای فکری مشوش در ذهن دانشجویان، آن‌ها را به تحلیل و نتیجه‌گیری مطلوب خود سوق دهد. به‌عبارتی هر جریانی از هر جبهه که می‌کوشد دانشجویان را به‌گونه‌ای از بی‌تحلیلی سوق دهد و آن‌ها را صرفاً به موجودات کنشگر سیاسی براساس تحلیل‌هایی تبدیل کند که روزمره در اختیار آن‌ها می‌گذارد و راه را بر اندیشه آزاد آن‌ها ببندد، خواه یا ناخواه رفتاری غیرانقلابی بروز می‌دهد.

انتظار اینکه دانشجو بتواند در برخورد با سیاست به تحلیل و مطالبه‌گری عمیق و مؤثر بپردازد، دور از ذهن نیست و مصادیق فراوان نیز نشان می‌دهد اتفاقاً مطالبه‌هایی که برپایه شناخت و تحلیل دقیق از مسائل سیاسی توسط جنبش دانشجویی انجام پذیرفته، اثربخش‌تر است و به‌خوبی توانسته به جامعه سرایت کند. ازهمین‌روست که رهبر انقلاب از دانشجویان می‌خواهند درخصوص مسائل مختلف سیاسی حتماً خودشان تحلیل داشته باشند، ولو آنکه غلط باشد؛ چراکه تحلیل سیاسی و اثرناپذیری از تحلیل‌های بولتنی و حزبی دیگران بدون درنگ و تأمل می‌تواند جریان معارض را از رسیدن به هدف خود (منفعل‌سازی دانشجویان در برابر تحلیل‌های غلط) ناامید سازد.

**۳. گفتمان‌سازی**

جنبش دانشجویی از منظر کارکرد اجتماعی، نیرویی واسط و میانجی است که ایده خود را برای کنش اجتماعی و سیاسی از متفکرین و اندیشمندان به دست می‌آورد و سپس با تشخیص مهم‌ترین مطالبات در راستای تحقق آن ایده در یک شرایط زمانی، آن را تبدیل به گفتمانی عمومی می‌کند و به ترویج آن در افواه و افکار عمومی می‌پردازد. از سوی دیگر، به رصد خواست مردمی می‌پردازد و خواست مردم را کپسوله و در قالب منافع ملی، تئوریزه می‌کند و با ارائه راهکار، به قدرت سیاسی انتقال می‌دهد. «گفتمان» فضای فکری و جریان غالب در جامعه در یک برهه زمانی است. گفتمان فراتر از جدال‌های روز سیاسی است و به یک مطالبه متمرکز اشاره دارد که حرکت جامعه را به‌سمتی خاص سوق می‌دهد. جنبش دانشجویی جنبشی است گفتمان‌ساز که می‌تواند به ترویج یک مطالبه عمومی در سطح کشور بپردازد. قدرت تولید و ترویج گفتمان برمبنای نیازهای مردم و انقلاب اسلامی، در حدی واجد اهمیت است که رهبر انقلاب معتقدند می‌تواند در تغییرات کلان سیاسی و رویکرد دولت‌ها مؤثر باشد. به‌زعم ایشان، گفتمان «عدالت‌خواهی» که در نیمه دهه هشتاد به‌عنوان یک مطالبه فراگیر به جهت‌گیری اصلی دولت وقت نیز منجر شد، توسط دانشجویان تبدیل به یک گفتمان عمومی شده است.

همان‌طور که جریان انقلاب اسلامی می‌کوشد برای پیشبرد هدف خود، از دل دانشگاه، جنبشی مطالبه‌گر و گفتمان‌ساز بیافریند، جریان‌های مقابل نیز به ترویج گفتمان‌های خود در سطح دانشگاه می‌پردازند. ترویج آزادی‌های فراقانونی و مطالبه‌گری از حکومت برای آزادسازی اباحی‌گری در عرصه عمومی، مطالباتی است که در برخی مواقع شاهد بوده‌ایم سرمایه‌گذاری زیادی برای تبدیل آن‌ها به گفتمان دانشگاه و سپس ترویج آن‌ها در سطح جامعه شده است. کوشش جریان ضدانقلاب آن است که جنبش دانشجویی را از جنبشی گفتمان‌ساز به مطالبه‌گر سطحی مسائل روز تبدیل کند و نسبت ناصحیح دانشگاه با سیاست منجر به تقلیل گفتمان اساسی و ملی به مسائل مبتذل یا نهایتاً شعارهای حزبی و جناحی می‌شود.

آنچه در رویکرد گفتمان‌سازی در مواجهه با سیاست باید ذکر شود، نقش گفت‌وگو و دیالوگ با سایر گفتمان‌های رقیب و رویکردهای غیرانقلابی است. ازهمین‌رو انتظار می‌رود فعالیت گفتمان‌های متفاوت در چارچوب قانون و آزاداندیشی وجود داشته باشد و ممانعت از تکثر آرا و گفتمان‌های ذیل انقلاب به عمل نیاید تا از دل این گفت‌وگو، به تولید نرم‌افزار علمی در سطح سیاست و ترویج آن در فضای جامعه پرداخته شود.

**۴. استکبارستیزی**

مقابله با استکبار را می‌توان یکی از رویکردهای اساسی و کار ویژه مهم جنبش دانشجویی به حساب آورد. این تکلیف نه در یک برهه زمانی خاص، که به‌عنوان یک رویکرد دائمی در نسبت دانشگاه و سیاست جهانی تعریف می‌شود. مبدأ تحرک جنبش دانشجویی انقلابی (۱۶ آذر ۱۳۳۲) خود حرکتی برپایه استکبارستیزی بوده است و این حرکت تا امروز نیز استمرار داشته است.

رهبر انقلاب مبارزه با استکبار و نظام سلطه را جزء کارهای اساسی و مبانی انقلاب برمی‌شمرند که تعطیل‌پذیر نیست و تصریح دارند اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم.

در مقابل، جریان ضدانقلاب، در رویکرد سیاسی خود در بعد بین‌المللی، خود را مقهور ساختار هژمون قلمداد می‌کند و مسیر رهایی از مشکلات داخلی را نیز از دریچه رابطه با زورمداران می‌بیند. این رویکرد البته حاصل اتکا نداشتن به ظرفیت‌های داخلی و اعتمادبه‌نفس میان دانشجویان است که این تفکر از بدو تأسیس دانشگاه در ایران به‌عنوان یک رویکرد اصلی بر دانشگاه تحمیل شده است. این رویکرد غلط، که سازش با مستکبرین را مسیر ناگزیر توسعه کشور بدانیم، تاکنون بارها برای کشور ایجاد هزینه کرده است و تجربه مذاکره با دشمنان به‌منظور بهبود اوضاع معیشتی و داخلی، در سال‌های اخیر ناکارآمدی خود را بیش‌ازپیش نمایش داده است.

**۵. آرمان‌گرایی**

آرمان‌گرایی را می‌توان به‌عنوان نقطه مقابل مصلحت‌طلبی و حفظ وضع موجود دانست. همان‌طور که اشاره شد، جریان غیرانقلابی از یک‌سو می‌کوشد با نقش دادن به دانشجویان در ساختار قدرت، آن‌ها را از مطالبه‌گری به‌سوی محافظه‌کاری سوق دهد تا جنبش دانشجویی احیای مطالبات اساسی و آرمان‌های انقلاب را فراموش کند. ازهمین‌رو رهبر انقلاب از محافظه‌کاری با تعبیر تکان‌دهنده «قتلگاه انقلاب» یاد می‌کنند. البته این به‌معنی غفلت از واقعیت‌ها و رشد انتظارات غیرواقعی نیست. توجه به واقعیت‌های موجود در کنار رضایت نداشتن مستمر از وضع فعلی، می‌تواند هدایتگر رویکردی آرمان‌گرایانه باشد. مسئله‌ای که جریان معارض با انقلاب آن را برنمی‌تابد و با القای مسائل غیرواقعی به‌جای واقعیت، درصدد مأیوس کردن دانشجویان از آینده کشور و القای تفکر «ما نمی‌توانیم» در سطح دانشگاه‌ها و به تبع آن، فضای عمومی کشور است.

دست آخر باید توجه داشت آرمان‌های جمهوری اسلامی صرفاً سیاسی نیست و چه‌بسا آرمان‌های فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی، که در بند بند قانون اساسی کشور نیز متجلی شده، بسیار فراگیرتر از مطالبات سیاسی است و محدود کردن دایره آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری به مسائل سیاسی، خود به غفلت جنبش دانشجویی از سایر ابعاد مهم نظام‌سازی می‌انجامد.

**۶. وظایف دانشجویی**

در تبیین نسبت دانشگاه با فعالیت سیاسی، نمی‌توان از وظایف اصلی دانشجویی غافل شد. به‌هرحال مهم‌ترین وظیفه دانشگاه، تولید علم و مهم‌ترین وظیفه دانشجو، کسب علم است. جریان انقلاب، رابطه دانشگاه و سیاست را در خدمت این وظیفه اصلی می‌خواهد؛ به‌نحوی‌که دیالکتیک دانشگاه و سیاست به ایجاد نشاط در دانشگاه و تلاش برای ارتقای جایگاه علمی خود و کشور و رسیدن به هدف مقدس و انقلابی منجر شود.

این در حالی است که رویکرد جریان ضدانقلاب در سیاسی کردن دانشگاه‌ها، ایجاد حاشیه و غلبه آن بر متن وظایف اصلی دانشجویی است؛ به‌طوری‌که میزان رشد علمی کشور، تخصص‌گرایی و آرامش مورد نیاز برای پیشبرد فعالیت‌های علمی به تأخیر بیفتد. حرکت‌هایی نظیر تعطیلی کلاس‌های درس و امتحانات که در برخی برهه‌ها در واکنش به مسائل سیاسی رخ داده است، نمونه‌ای از این تلاش برای ایجاد تشویش فکری و ناآرامی در فضای علمی و تحصیلی است. به همین دلیل، رهبر انقلاب ایجاد باشگاه‌های سیاسی و هیجان‌های غیرمفید را «سم مهلک حرکت علمی» در دانشگاه برمی‌شمرند.

**پ) تکنیک‌ها**

در برخورد با مسائل سیاسی روزمره، به تبع تفاوت اهداف و رویکردها، جریان انقلابی و غیر/ضدانقلابی واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. جریان انقلابی می‌کوشد با توجه به تحلیل صحیح سیاسی و با توجه به مبانی سیاست انقلابی که پیش‌تر ذکر آن رفت، در واکنش به مسائل سیاسی به‌گونه‌ای رفتار کند که به کاهش یا رفع هزینه از انقلاب اسلامی منجر شود. در مقابل، تکنیک جریان معارض انقلاب در برخورد با مسائل روزمره سیاسی، دامن زدن به حواشی، شایعات، اخبار غیرموثق است؛ به‌گونه‌ای که به‌جای تلاش برای رفع مشکل یا اصلاح نقص، برای اصل نظام هزینه ایجاد شود و حتی بعضاً نمود این رفتارها در رسانه‌های ضدانقلاب با عنوان «بیداری جنبش دانشجویی» منعکس می‌شود. نمونه این رفتارهای هزینه‌زا در سال ۸۸ و ۷۸ مشاهده شد.

جنبش دانشجویی انقلابی مسائل سیاسی روز را همانند قطعات پازل کنار هم چیده و با تفکیک مسائل اصلی از فرعی، به تحلیل و نتیجه‌گیری می‌پردازد، ولی جریان معارض می‌کوشد مسائل غیراصلی را به مطالبه سیاسی اصلی و درجه‌یک جنبش دانشجویی تبدیل کند و با کمپین‌های سیاسی دانشجویی برای مسائل فرعی، به ادعاهای خود در نفی حکومت مشروعیت بخشد. رهبر انقلاب به‌خوبی دو نکته فوق‌الذکر را به‌عنوان تکنیک مورد نیاز در دیالکتیک دانشگاه با مسائل سیاسی متذکر می‌شوند: «تلاش برای اصلی و فرعی کردن مسائل» و «تأکید بر حفظ آرامش» در مواجهه با سیاست.

**محمدحسن صادق‌پور**

# تشکل های دانشجویی و افسوس کنشگری فعال!

آرمان‌گرایی و مطالبه‌گری از خصوصیات مهم تشکل‌های دانشجویی است. اگر این مطالبه‌گری هم راستا با واقعیت‌ها و نیازهای جامعه باشد، در نهایت خروجی مطلوبی از فعالیت دانشجویان به دست می‌آید.

از سوی دیگر؛ اگر مطالبه‌گری یا آرمان‌خواهی با نیازهای جامعه همسو نباشد، اتفاقات خوبی رقم نخواهد خورد. در چنین شرایطی می‌توان گفت که جریان دانشجویی از رسالت و ماموریت خود فاصله گرفته است یا هدف گذاری مناسبی برای خود انجام نداده است.

موضوعی که مقام معظم رهبری در دیدار رمضانی امسال با دانشجویان به آن پرداختند. ایشان انتظارات خود از تشکل‌ها را بسیار زیاد برشمردند و با تاکید بر ضرورت ایفای نقش مؤثر در محیط‌های دانشجویی دانشگاه‌ها، خاطرنشان کردند: تشکل‌های دانشجویی باید به‌ویژه در محیط دانشجویی و داخل دانشگاه اثرگذار باشند در حالی‌که این اثرگذاری اکنون دیده نمی‌شود یا اندک است. در درجه اول اولویت با دانشگاه است.

رهبر انقلاب در ادامه اعضای تشکل‌های دانشجویی را به تقویت پشتوانه‌های فکری و نظری توصیه کردند و گفتند: بدون پشتوانه قوی فکری نمی‌توان تفکر انقلابی را گسترش داد ضمن اینکه ممکن است در اثر این ضعف، خود تشکل‌ها تحلیل بروند که در مواردی نیز این اتفاق افتاده و زیر عنوان اسلام، بر خلاف فکر اسلامی، کار و اطلاعیه داده شده است.

در ادامه برای بررسی مشکلات و چالش‌های فعالیت‌های دانشجویی که باعث کم‌اثر شدن فعالیت آنان شده، به بررسی نظرات اعضای جریان دانشجویی پرداخته ایم:

دبیر شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران بزرگ یکی از منتقدان به عملکرد جریان دانشجویی در چند سال اخیر است. وی درباره کم اثر شدن فعالیت‌های تشکل‌های دانشجویی می‌گوید: عوامل گوناگونی باعث کمرنگ شدن فعالیت و اثرگذار تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه شده است. این عوامل در بلندمدت اثرگذاری خود را داشته تا اینکه هم اکنون بسیار مشهود است. این موضوع نیز حاصل سیاست‌های دولت‌های گذشته بوده که اعتقاد داشتند باید سیاست زدایی از دانشگاه صورت گیرد. البته نمی‌توان تاثیرات دوران کرونا و آموزش مجازی را نیز نادیده گرفت؛ چرا که سرعت کمرنگ شدن اثرگذاری فعالیت تشکل‌های دانشجویی را بیشتر کرد.

وی با بیان اینکه دانشجویان الگوپذیر هستند، یعنی به بزرگ‌تر از خودشان نگاه می‌کنند که تا چه میزان به دانشگاه توجه دارند، گفت: دانشگاه نیز یک نهاد تربیت‌کننده افراد است. دانشجویان به افراد الگو ساز توجه می‌کنند که تا چه میزان به دنبال ایجاد نشاط در دانشگاه هستند یا چقدر در برابر عوامل تاثیرگذار بر دانشگاه مقاومت دارند. مجموعه عوامل موجب می‌شود که یک محیط دانشگاهی را شاداب و سرزنده مشاهده کنیم که تشکل‌های دانشجویی به صورت مستمر در آن فعالیت دارند یا اینکه از فضای دانشگاهی خارج شده و فعالیت غیر دانشگاهی دارند. این فعال دانشجویی افزود: در دیدار ماه رمضان دانشجویان با مقام معظم رهبری یک دانشجو عملکرد نادرست برخی مسئولان را باعث کم اثری تشکل‌های دانشجویی دانست. در همان لحظه رهبر انقلاب تاکید کردند که مسئولان کار خودشان را انجام دهند و دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی نیز کار خود را انجام دهند.

نامبرده عنوان کرد: ما نیز این پیام رهبر انقلاب را دریافت کرده‌ایم. البته بسیج دانشجویی همواره نگاه ویژه به دانشگاه و آموزش عالی داشته است. شواهد این مطلب نیز، مطالباتی است که در حوزه آموزش عالی از مسئولان داشته ایم. ما قبل از تذکر مقام معظم رهبری، نسبت به آموزش عالی دغدغه داشته ایم.در این باره متن بیانیه و نامه‌های بسیج موجود است. البته بعد از تذکر رهبر انقلاب در دیدار با دانشجویان، بیشتر توان خود را نسبت به موضوعات داخل دانشگاه متمرکز کرده‌ایم تا رضایت مقام معظم رهبری در این خصوص جلب کنیم.

مسئول سیاست‌ورزی مرکز هماهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی نیز در این باره می‌گوید: موضوعی که در فضای دانشجویی و تشکل‌های دانشجویی وجود دارد این است که دانشجو باید باور کند که می‌تواند مؤثر باشد. به علت برخی از عملکردها و سیاست گذاری‌ها و نگاهی که به فضای دانشجویی داشتند، اجازه نمی‌دادند که فضای تشکلی در جامعه شکل بگیرد.

وی ادامه داد: این موضوع باعث شده که دانشجویانی که در فضای دانشجویی فعالیت می‌کنند، افراد با دغدغه و متعهد باشند. به عقیده بنده، باید تشکل‌های دانشجویی را که به عنوان حلقه‌های میانی فعالیت می‌کنند، بتوانیم نسبت به مسائل مختلف دغدغه‌مند کنیم. به این معنا که دانشجویان نسبت به جایگاهی که دارند، می‌توانند نقطه تحولی در جامعه باشند. اگر این موضوع انجام شود، می‌تواند راهکاری برای برون رفت دانشجویان از فضای انفعال فعلی باشد.

این فعال دانشجویی اعتقاد دارد: تذکری که مقام معظم رهبری به تشکل‌های دانشجویی دادند، این بود که فضای بیرون از دانشگاه را رها کنید و به موضوعات درون دانشگاه بپردازید. اینها دو موضوع بسیار مهمی هستند. چرا برخی دانشجویان گاهی بسیار سیاست زده شده و می‌خواهند تمام چالش‌های بیرون دانشگاه را حل کنند.

نامبرده یادآور شد: یکی از نقاط انحراف فضای دانشجویی این است که برخی از ادوار جریان دانشجویی در دولت مسئولیت گرفتند. در نتیجه برخی از دانشجویان احساس می‌کنند که فضای فعالیت دانشجویی و عضویت در تشکل‌های دانشجویی سکویی برای ورود به دولت است. در حالی که فعالیت در تشکل‌های دانشجویی بسیار متفاوت‌تر از این تفکر است. هدف ما از فعالیت در جریان دانشجویی، گفتمان سازی است.

این فعال دانشجویی بیان کرد: یکی از دلایلی که شهید رئیسی محبوب دل‌های مردم شدند، این بود که گفتمانی ایجاد کردند با عنوان گفتمان مردمی. بنابراین در روزهایی که ناامیدی بین مردم به خاطر مشکلات اقتصادی و معیشتی موج می‌زند، سیل عظیمی از مردم در مراسم تشییع پیکر وی شرکت کردند. وی اضافه کرد: جریان دانشجویی باید در نقطه‌ای قرار بگیرد که برای جامعه خط‌دهی انجام دهد ولی در حال حاضر از رسانه‌ها خط مشی دریافت می‌کند. یعنی ما نتوانستیم به مرحله تولید حرف یا گفتمان برسیم. ما هنوز باور نداریم که باید نسبت به جامعه و دانشگاه متعهد باشیم و می‌توانیم تاثیرگذار باشیم. به عنوان مثال دانشجوی رشته حقوق می‌تواند در موضوعات مرتبط به قانون گذاری و اجرا و نظارت بر قانون تاثیرگذار باشد. اگر دانشجویان جایگاه خودشان را پیدا کنند، فضای انفعالی دانشجویان از بین خواهد رفت.

نامبرده خاطرنشان کرد: حجت‌الاسلام رئیسی به دانشجویان امید می‌داد که شما آینده سازان کشور هستید. بنابراین باید نقطه تحولی کشور را به دست بگیرید. مقام معظم رهبری نیز نگاه افقی به دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی دارند. یعنی دانشجویان را در پیشرفت کشور مؤثر می‌دانند. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب تاکید دارند که آینده کشور باید به دست جوانان و دانشجویان رقم بخورد. یکی از اعضای شورای مرکزی اتحادیه مجمع اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی نیز در این خصوص اظهار داشت: به نظر بنده مشکل عمده جریان دانشجویی تقابل حق و مصلحت است. به این معنا که ما مصلحت را در نظر می‌گیریم به امید آینده بهتر انجام امور مختلف یا حق را در نظر بگیریم و تاکید کنیم که کدام حرف یا عمل درست است یا خیر. به نقل از ایسکانیوز؛ وی تصریح می‌کند که تقابل حق و مصلحت بن‌بست دانشجویی است. این جریان حدود ۱۰ سال اخیر با افراد و احزاب مختلف درگیر این موضوع بوده است. دانشجو باید خودش را در خط مقدم و اول جبهه مطالبه بداند.

# دانشجوی جهادگر «محمدحسین دریس» آسمانی شد

جهادگر بسیجی «محمد حسین دریس» مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی اراک، در مسیر تلاش برای خدمت به محرومین و مستضعفین در پی سانحه جاده‌ای دعوت حق را لبیک گفت.

این جهادگر آسمانی که دانشجوی پزشکی ورودی ۱۴۰۰ دانشگاه علوم پزشکی اراک و محور برگزاری اردوهای جهادی تخصصی بهداشت و درمان این دانشگاه بود، اصالتا اهل استان اصفهان بوده و خانواده وی در استان قم ساکن هستند.

به‌دنبال عرو